



13 اکتوبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

شرح مختصر پیرامون اعلامیه ای تحت عنوان: "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان"

(قسمت سوم)

موضوع دوم: مصوبه فرمایشی لویه جرگه

در اعلامیه آمده است: کاریکه [محمد نادرشاه] بزور سرنیزه پیش برده است، دوتا است: یکی اشاعت بعضی بیان های غلط و دوم منع انتخابات. از وکلا در حوالی پایتخت برای لویه جرگه بعضی اشخاصی را از بعضی مناطق جمع کردند و بنام آنها یک چند اعلان برای مخالفت این مسافر شایع نمودند که خود آنها که بزور جمع شده بودند و خبر ندارند. در لویه جرگه کسی حق گپ زدن و فکر کردن نداشت. هرچه محمد نادر میخواست بنام آن بیچاره ها اجرا کرد و من همین نکته را در یکی از مکتوب های خود اسمی شاه ولی خان سفیر نوشتم که من میدانم شما هرچه بخواهید بنام وکلای بیچاره می کنید. کلان شوندگان این ملت همان است که در هر قدم مرا مدافعه کردند. از پیر هفتاد ساله تا طفل دوازده ساله در رکاب من ایستاده با اشرار جنگیدند و جان های خود را فدای من کردند و تا من آنها را از جنگ باز نداشتیم رو نگشتانند.

وکلای ملت مرا بد نمی بینند و اگر چه از من بعضی کارها صادر شده است که خطا بودن آن را من امروز میدانم؛ ولی خیانت به ملک و ملت از من سرزده است و ملت من می دانند که من فدای آرزوی ترقی و خدمت شان شده ام، با من ملت مخالفت نکرده است بلکه اوامر مرا صادقانه اطاعت نموده اند و به حکم حضرت الهی ایشان در اول مرا پادشاه ساختند و ده سال خدمت و مدد کرده در مرحله آخرین هم با لشکر من در کابل و راه قندهار تا آن وقت مدافعه کرده اند و دشمن را شکست ها دادند تا خود رفتن را ترجیح دادم. لہذا افواہاتی را کہ قلم شخص محمد نادر بنام وکلای ملت شایع کرده از وکلای ملت نیست، بلکه از خود اوست».

برای شرح نکات فوق الذکر اعلامیه لازم است نخست نگاه مختصر به خصوصیات و موضوعات مطروحه لویه جرگه 1309 انداخت:

حکومت با نشر فرمان شاهی بتاريخ 18 سنبله 1309 (9 سپتمبر 1930) لویه جرگه را در کابل دائر نمود که در آن از 207 نفر مامورین عالی رتبه و 18 نفعراضای کوردیپلماتیک مقیم کابل (به حیث سامع و مشاهد) و به تعداد 299 نفر از شخصیت های مطلوب ولایات به حیث نماینده گان مردم دعوت بعمل آمد تا در لویه جرگه اشتراک نمایند که تعداد اشتراک کنندگان به شمول شخص صدراعظم و وزراء در این لویه جرگه جمعاً به 525 نفر رسید. جرگه تحت ریاست محمد هاشم خان صدراعظم که از طرف شاه برای انجام این وظیفه تعیین شده بود، در قصر "ستور" (وزارت خارجه) دائر گردید. با آنکه هدف اصلی تدویر این لویه جرگه بطور غیر مستقیم همانا گذاشتن مهر مشروعیت بر سلطنت محمد نادرشاه بود، اما در اجندای رسمی آن موضوعات فرعی از جمله تصویب لایحه انتخابات شورای ملی، لایحه وکلای مجلس مشوره ولایات، نشانهها و القاب دولت، تصویب رنگ و نشان بیرق گنجانیده شده بود. علاوه یک موضوع دیگر بطور عامدانه و غیر معمول که طرح آن در لویه جرگه مورد نداشت، نیز مطرح گردید و آن نامه های شاه سابق مبنی بر سرنوشت ملکیت های او و ملکه ثریا در کشور بود که موضوع بحث اصلی در این نوشته است.

شاه سابق غازی امان الله به دلیل مشکلات اقتصادی که در ایتالیا داشت بار اول به مارشال شاه ولیخان (برادر محمد نادرشاه و شوهر خواهر خود) که سفیر افغانستان در لندن بود، نامه خصوصی نوشت و در یک قسمت آن یاد آور شد: «از اینکه حاصلات سرمایه من کفاف اعاشه عائله ام را نمیکند، از شما خواهش میکنم که زود برایم معلوم کنید که ثروت عین المال من و جایداد ثریا [ملکه] را در کابل کی اداره میکند و برای ما چطور خواهد رسید و برادر عزیزم نادرشاه چه خیال دارند که بدانم؟...»

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

چون جوابی قاطع از شاه ولیخان نیافت، تلگرام مختصر بتاريخ 28 جوزای 1309 راساً عنوانی شخص محمدنادرشاه ارسال نمود، به این عبارت: «بحضور اعلیحضرت غازی! اموال و املاک و فابریکه های عین المال من و ثریا و اولادهای من در دست کیست و کی آنها اداره میکند؟ حکومت چه نظریه دارد؟ امان الله - روما»؛ (در اینجا باید خاطر نشان کرد که شاه امان الله غازی در زمان سلطنت خود اراضی شخصی خود و ملکه را به دولت داده و در مقابل فابریکه های پشمینه بافی و چرمگری کابل را بنام عین المال یعنی دارائی شخصی برای خود گرفته بود.)

اعلیحضرت محمدنادرشاه نامه های شاه سابق را به لویه جرگه رویت داد و لویه جرگه متن ذیل را به تصویب رسانید و آنرا به شکل یک مکتوب تقدیم حضور محمدنادرشاه کرد. نظریه اهمیت تاریخی این تصویب که با الفاظ شدیدالحن و کلمات نامناسب و افتراء آمیز که نشانه ای عمیق از عداوت و کینه حکومت جدید علیه شاه سابق را انعکاس میداد، در اینجا متن مکمل مصوبه عیناً اقتباس میگردد:

«بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم غازی! [مقصد محمد نادرشاه است] والاحضرت صدراعظم [سردار محمد هاشم خان] تلگرام امان الله خان را که بحضور شما مخابره نموده و مکتوبی که به والاحضرت وزیرمختار درلندن نوشته، به مجلس لویه جرگه قرائت فرمودند. درین خواهش و تمنائیکه امان الله خان از اعلیحضرت مینماید، از آن بی انصافی های بزرگیست که بر زخم های ملت ستم کشیده نمک می باشد و در انظار ملل متمدن خود را مفتضح و رسوا میکند.

امان الله خان قبل از آنکه این مطالبه بیجا را از حکومت ما مینمود، باید فکر و سنجش میکرد که عین المال نام که در افغانستان موجود بود، از کدام سرمایه تشکیل یافته و از کدام آمدنی روز بروز در آن می افزود؟ آیا از رهگذر تجارت بود، از زراعت، از آمدنی فابریکه صنعتی بود؟ منابع این عین المال چه بود که بعد از دارائی حکومت افغانستان ثروت درجه اول را احراز مینمود؟ میرهن است که از خزینه جواهرات گرانبها و اشیائیکه مهم و ذی قیمت ساخته میشود، بدست پادشاه می بود و بصورتیکه در دنیای امروزه مروج و متداول است، اسباب زیب و زینت انائت خانان شاهی از دارائی حکومت تشکیل می یافت، اما مالک آن ملت بود. اشیای مذکور مال حکومت و مال بیت المال مسلمین است. به مناسبتی که در افغانستان یک اصول صحیح در دست موجود نبود، خانواده سلطنتی همه این هستی و دارائی را مایملک خود شمرده عاقبت در ذیل عین المال بشمار آوردند. اعلیحضرت امیر شهید که این نکته را بدرستی فهمیده بودند، بخود امان الله خان و تمام مامورین افغانستان که اکثریت فعلاً موجود است، معلوم میباشند که این اشیاء و جواهرات گرانبها را در قید دفتر آورده، هر وقت اظهار و بیان مینمود که این مال حکومت افغانستان است و برای پنج روز به اهالی حرم عاریت داده شده، آیا امان الله خان که خودش این کیفیت و حقیقت را میداند، به چه صورت این مطلب را به پادشاه و حکومت ما پیشنهاد مینماید!

در ادامه این مصوبه آمده است: «باز خود امان الله جائیکه فابریکه و جائیکه منابع حاصل خیز و پرمفعت مملکت بود، نام عین المال را بالای آن گذاشته داخل دارائی خود آورد. اگر امان الله خان این چنین عین المال میخواهد، ثابت شد که اولین خائن بیت المال مسلمان ها خود امان الله خان بوده اگر دیگران خیانت میکردند، به تبعیت اجراءات خیانت خودش مینمودند. در حالیکه امان الله خان دوره مسافرت اروپا نموده بود، طلا در کابل باقی نمانده وزارت مالیه شب و روز در خریداری طلا و هندوئی صرف مساعی داشت، پول هنگفتی را بخارج فرستاد که امان الله خان برای افغانستان اسباب ترقی خریداری نماید، اما امان الله خان غازی بجای اینکه پول حکومت را بمصارف حقیقی آن که خریداری اسباب ترقی بود، برساند، پول را در بانک گذاشت. یک اندازه فابریکه هائیکه خریداری نموده بود، پول قیمت آنها نپرداخته به قرض خریداری کرد و ملت عاجز را قرضدار ساخت. امان الله خان وقتیکه مملکت و حکومت و ناموس ما ملت را بدست سقاوی گذاشت، جمیع جواهرات و خزاین اندوخته حکومت افغانستان را به خارج برد که جراید دنیا در همان موقع تمام را انتشار داد، حال آنکه امان الله خان در اروپا دارای عمارات متعدد و پول کثیری میباشند و اسهام میخرد و مفاد حاصل میکند، از پول کیست؟»

«اعلیحضرتا! [مقصد محمدنادرشاه است] ما از شما استدعا میکنیم و بحضور شما عرض میداریم که شما وکیل و حافظ حقوق قاطبه ملت افغانستان میباشید، آنچه را که از خزینه و فیه حکومت افغانستان امان الله خان غازی در خارج برده و امروز به پول ما عیش و عشرت مینماید، از وی مطالبه شود و ما را بحق برسانند. امان الله خان را در افغانستان مالک خانه، زمین و هستی نمیدانیم و بیت المال مسلمین را که بنام عین المال جمع کرده بود، چنانچه شما در اول جلوس خود به بیت المال ضمیمه نمودید، حقوق خود و ملت خود دانسته به امان الله خان میگوئیم: شما که از ما عین

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

المال مطالبه مینمائید، آیا ما خزانه و جبه خانه و تمام دارائی حکومت خود را که خود بردید و مابقی را بدست طبقه جهال و دزد سپردید، از کدام اشخاص مطالبه کنیم؟ آیا نتیجه اعتمادیکه ما شما را به پادشاهی خود برگزیده بودیم، همین بود که شما حکومت ما را به جماعه قطع الطریق سپرده وطن ما را صحنه خون ریزی و انسان کشی نمائید؟ آیا جناب شما و عائله شما قدر و قیمت داشت یا حیات جامعه که برای سلامت خود حیات جامعه را در خطر انداختید؟ اگر شما حقیقتاً حقوق شناس میباشید، خطبات و بیانات خود را که در میز خطابه و مواقع نطق خون خود و اولاد خود را بزبان در راه ترقی و تعالی ما می ریختانید، بیاد آورده درین حال فقر و پریشانی حکومت ما آرزو های خود پسند و نامشروع شما، ما را با این حال گرفتار نمود و از جهت اخراج طلا و جواهر افغانستان که شما خارج کرده اید، امروز نرخ پول ما بدرجه صفر افتاده، پول ما ملت عاجز را در خارج بعوض قرضه که شما برای ما حاصل کرده اید، پرداخته باقی آنرا به حکومت متبوع تسلیم کنید تا ثابت کرده باشید که بیانات شما شمه از حقیقت داشت و ما هم بتوانیم برای تأمین حیات آینده خود ثروتی داشته باشیم. ما ملت عاجز از حق خود گذشته نمیتوانیم و باز به حکومت متبوعه خود پیشنهاد میکنیم بهر ذریعه و وسیله که ممکن است حقوق ما را از امان الله خان بگیرد. تحریر یکشنبه 22 سنبله 1309 « محل امضای وکلای لویه جرگه (برگرفته از کتاب: علم فیض زاد: "جرگه های بزرگ ملی افغانستان"، 1368، صفحه 144 تا 147) (*به تبصره مختصر در این ارتباط در پاورقی پایان این قسمت دیده شود)

سپس اعلیحضرت نادرشاه به استناد مصوبه فوق نامه مختصر به این عبارت را به جواب شاه سابق از طریق حکومت فرستاد: «اعلیحضرت شهیارغازی که خود میدانستند که این پول بنام عین المال از ثروت بیت المال متدرجاً مجزا گردیده و بمصارف مخصوص میرسید، در اول جلوس خود فرمان صادر نمودند که به منبع اصلیش واپس اعاده شود یعنی چون این ثروت مال بیت المال بود، واپس به بیت المال ملحق گردید.» (غبار، میرغلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد دوم، صفحه 101 برگرفته از شماره 14 مورخ اول میزان 1309، جریده دولتی اصلاح)

در متن مصوبه لویه جرگه همچنان بطور اعتراض تذکر رفته که گویا شاه امان الله غازی زمین ها و دکاکین عین المال را به فابریکه ها بدل کرده است. در این مورد امان الله غازی در اعلامیه خود جواب گفته و تصریح نموده که چرا او به تبادل زمین ها و دکاکین ملکیت خود (عین المال) با دو فابریکه پرداخته بود؟ او در برابر این اعتراض در اعلامیه خود تحت عنوان "کشف الحال نادر.." شرح مختصر دارد و می نویسد: «دولت برای مهاجرین زمین ها و برای موسسات خود عمارت لازم داشت و از طرف دیگر بودجه ممکت اجازه خرید را به پول نقد نمی داد و هم این دور افتاده وطن برای اینکه از بیت المال برای گذران خود با اصرار هر ساله شورای ملی چیزی نمیگرفت. وزارت مالیه تجویز نمود که بقیه عمارات و زمین عین المال را برای دولت بخرند و به عوض آن بعضی فابریکه که چلانند آن کار دولت نبود، به من بدهند. این تجویز را من قبول کردم و بعضی مردم که ایشان هنوز در کابل هستند و مخصوصاً میرزا محمد ایوب خان امین عین المال که حالا وزیر مالیه [در کابینه محمد نادرشاه] است (موصوف بعد از مدت کوتاه مورد سوء ظن شاه قرار گرفت و برای مدت طولانی در حصر خانگی زیر نظارت قرار گرفت - کاظم) خوبتر معلوم است، مشوره کردم که این فابریکه اسهام شود و در معرض فروش عموم گذارده شود تا بصورت شرکت فابریکه ها دایر شود و هم مردم مستفید شوند و هم طرز فکر شرکت فابریکه در وطن پیدا شود و مردم تشویق شوند. من بسیار خوش هستم که مردم مملکت عزیزم مرا می شناسند، طرز زندگی ساده مرا که از پوشیدن رخت کهنه و پاره هم خودداری نکرده ام، می دانند و می فهمند که استعمال لفظ "عیاشی" به نسبت من ظلم و بهتان است» (برگرفته از متن اعلامیه امان الله غازی)

در این ارتباط قابل ذکر است که شاه امان الله غازی برای تشویق صنایع در کشور "نظامنامه تشویق صنایع" را در سال 1302 نافذ ساخت که بر اساس آن یک تعداد سهولت ها از جمله معافیت های گمرکی و مالیاتی برای وارد کردن ماشین خانه های خورد و کلان مثلاً نساجی و غیره شرح داده شده و برای ماشین خانه ها تا پنج جریب زمین بدون قیمت داده می شد و امور تشویق صنایع به بدوش وزارت تجارت گذاشته بود.

غبار در جلد دوم کتاب خود به نامه یا مصوبه فوق الذکر لویه جرگه تماس گرفته می نویسد: «اینکه در باره او [مقصد غازی امان الله شاه است] گفتند نقود و جواهر خزانه ملت را بسرقت برده است، مورد تردید است، زیرا او در حالت اضطرار و به ناگهانی به ترک افغانستان مجبور گردید و فرصت تاراج خزاین را نداشت، جز آنکه مقدار کوچکی را با خود برده باشد. زندگی آینده او در ایتالیا و شدت احتیاجش به پول، خود مؤید این نظر است.» (غبار... صفحه 102)

غبار باز هم می نگارد: «نادرشاه که کلمه عین المال امان الله خان را بمثابة خیانت ملی شمرده بود، از همین عین المال مذموم، تمام زمینهای زراعتی ملکه ثریا واقع تنگی سیدان کابل را به برادر خود شاه محمودخان وزیر حربیه داد،

چنانکه باغها و عمارات و اراضی دولت و اشخاص را در کابل و پغمان و جلال آباد به افراد خاندان خود داده بود و این ها هریک صدها میلیون دالر و افغانی در خارج کشور "عین المال شخصی" دارند؛ حتی باغ ارگ سلطنتی را نیز این خانواده "دشمن عین المال" بین خود تقسیم و ترکه کردند...» (عبار ... صفحه 103)

از پادشاهی که مصارف عروسی خود را وقف تأسیس یک مکتب انائیه و یا اعمار یک شفاخانه مخصوص اناث کرد و پادشاهی که معاشات چند ساله خود را برای انکشاف معارف تخصیص داد، چگونه میتوان براو اتهام سرقت نقد و جواهرات خزانه ملت را وارد کرد؟ در این ارتباط به دو متن ذیل توجه شود:

در سال 1293 ش (1914م) وقتی شهزاده امان الله عین الدوله با مسماء ثریا طرزی در شهر کابل نامزد شد، امیر حبیب الله خان مراسم عروسی آنها را در برج عقرب سال مذکور مدنظر گرفت و در پی آن شد که با مصارف زیاد و در طول هفت شبها روز جشنی در کابل برگزار و اقسام زیورات و البسه تهیه سازد. عین الدوله این تمهید گزاف خرجی را خوش نداشت و ورقه پیشنهادی بحضور پدر خود به این عبارت تقدیم کرد: «اگر اراده اعلیحضرت همایونی شرف تعلق پذیرد که همین مبالغ تخصیص یافته مراسم عروسی هفت شباروزی برای تأسیس یک باب مکتب انائیه یا یک باب شفاخانه انائیه بصرف برسد و ملت از آن مستفید شده یک تذکار ابدی و یادگار دائمی برای این مراسم بماند و از اسرافات بیهوده بی ثمر صرف نظر شود، عین مرحمت خواهد بود». امیر حبیب الله خان از این اندازه همت و رشادت سومین پسر خود سخت متعجب شد و بحیرت رفته و بعداً شهزاده مکرّم بلند اقبال سردار امان الله خان عین الدوله را سزاوار تحسین و آفرین دانسته مبلغ هنگفتی را که برای مراسم عروسی تخصیص شده بود، مطابق پیشنهاد پسر دانشور خود برای مؤسسات عرفانی و صحی تعیین فرمود و اجراء مراسم عروسی و نکاح را بروفق نظریه عین الدوله بطور خیلی ساده و مختصر فرمان داد.» (وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه واستقلال مجدد افغانستان"، چاپ قندهار، 1396 ش، جلد اول، صفحه 37 - 38)

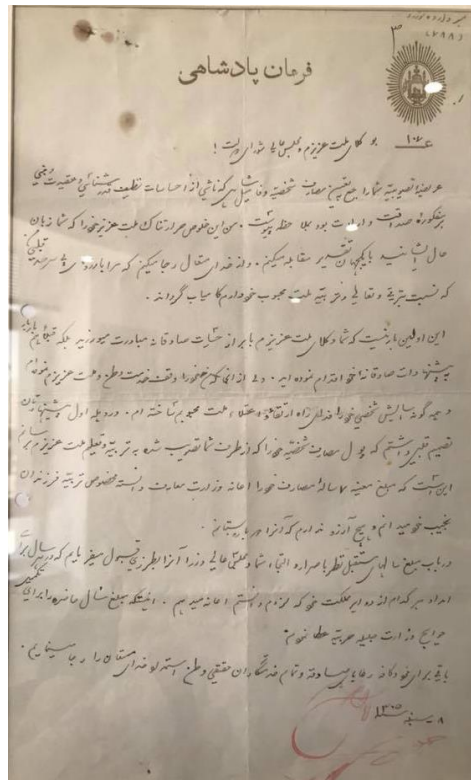
چند سال قبل حین بررسی اوراق سالهای گذشته که در یک گدام روی هم انباشته شده بود، فرمانی شماره 107 مورخ 8 سنبله 1305 بدست آمد که در آن شاه امان الله غازی از مبلغی که در ظرف چند سال برای مصارف شخصی شان اختصاص یافته و اما شاه از اخذ آن خودداری کرده بود، شورای دولت خواست این مبلغ را برایش تادیه نماید، اما شاه از قبول آن صرف نظر کرده و از شورای دولت خواست که آن مبلغ را برای انکشاف معارف در کشور تخصیص دهد.

فرمان پادشاهی

بوکلای ملت عزیزم، مجلس عالی شورای دولت!

عریضه تصویبیه شما راجع به مصارف شخصی و فامیل شاهی که ناشی از احساسات نظیف قدرشناسی و عقیدت دینی برمفکوره صداقت و ارادت بود، بملاحظه رسید. من این خلوص حرارتناک ملت عزیز خود را که شما زبان حال ایشانید با یکجهان تقدیرمقابله میکنم و از خدای متعال رجا میکنم که مرا بارزوهای بی سرحد قبلی من که نسبت بترقی و تعالی و تربیه ملت محبوب خود دارم، کامیاب گرداند.

این اولین بار نیست که شما وکلای ملت عزیزم بابرار احساسات صادقانه مبادرت میورزید بلکه قبلاً هم باربار پیشنهادات صادقانه خود را اقدام نموده اید. ولی از آنجائیکه من خود را وقف خدمت وطن و ملت عزیزم نموده ام و همه گونه آسایش شخصی خود را فدای راه ارتقاء و اعتلای ملت محبوبم ساخته ام، در وهله اول پیشنهادتان تصمیم قبلی داشتم که پول مصارف شخصی خود را که از طرف شما تصویب شده به تربیه و تعلیم ملت عزیزم برسانم. این است که مبلغ معینه 7 ساله مصارف خود را اعانه وزارت معارف دانسته مخصوص تربیه فرزندان نجیب خود میدانم و هیچ آرزو ندارم که آنرا دوباره بستانم.



د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

درباب مبلغ سالهای مستقبل نظر باصرار و التجای شما و مجلس علی وزراء آنرا بطرزی قبول میفرمایم که در هر سال برای امداد هر کدام از دواير مملکت خود که لزوم دانستم، اعانه میدهم. اینست که مبلغ سال حاضره را برای تکمیل حوایج وزارت جلیه حربه عطا نمودم.
باقی برای خود و کافه رعایای صادق و تمام خدمتگاران حقیقی وطن استمداد خدای متعال را رجا مینمایم.
مورخ 8 سنبله 1305 (امضای) امیر امان الله

***تبصره:** علم فیض زاد پس از آنکه متن فوق را در کتاب "چرگه های بزرگ ملی افغانستان" به نشر سپرد، به این نکته اشاره کرد که انتشار مصوبه فوق موجب شد تا شاه سابق غازی امان الله در سال 1309 (1930م) مکتوبی را در هند بچاپ برساند و بطور محرمانه به افغانستان توزیع کند که در آن همه تهمت هائیکه گفته میشد که او ثروت زیاد اعم از جواهرات و نقدینه را با خود از افغانستان به خارج برده و در حسابات مخفی در بانکهای اروپا گذاشته است، رد میکرد و محمد نادر شاه را به فریبکاری متهم می ساخت. همچنان در این نامه حرکات و فعالیت های نادرخان و برادرانش را مبنی بر همدستی آنها با دولت انگلیس به منظور سقوط سلطنت امانی و تصاحب تاج و تخت افغانستان شایع نمود. اینکه فیض زاد این مکتوب را دیده و یا در دسترش قرار داشته و یا اقل در آن باره چیزهایی شنیده، تذکری نداده، اما به احتمال قوی مقصد او اشاره به همین اعلامیه شاه امان الله غازی بوده است که اکنون مطرح بحث این نوشته میباشد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ